



گزیده ای از کتاب
کلمات قصار امام خمینی (ره)؛
پندها و حکمت ها

ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

کلمات قصار
امام خمینی (ره)

حفظ اسلام

دفاع از حق و اسلام از بزرگترین عبادات است. حفظ اسلام از حفظ احکام اسلام بالاتر است؛ اساس اسلام اول است، دنبال او اساس احکام اسلام است. حفظ خود اسلام از جان مسلمان هم بالاتر است. تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را. اگر ما اسلام را در خطر دیدیم، همه مان باید از بین برویم تا حفظش کنیم. اگر اسلامی بودن نهضت محفوظ باشد، دیگر آسیب نمی بیند. حفظ اسلام زحمت دارد. دفاع از اسلام و کشور اسلامی امری است که در مواقع خطر، تکلیف شرعی، الهی و ملی است، و بر تمام قشرها و گروهها واجب است. اگر اسلام را می خواهیم باید این جمهوری را حفظش کنیم. حفظ مصلحت عمومی و اسلام، مقدم است بر حفظ مصلحت شخصی. اسلام با فقه و احکام فقه باقی مانده است. همه باید مراقب این باشیم که این مکتب محفوظ باشد. ما برای حفظ اسلام مکلف و مسئولیم، و امروز حفظ اسلام در تفاهم است. بزرگان اسلام ما، در راه حفظ اسلام و احکام قرآن کریم کشته شدند، زندان رفتند، فداکاریها کردند، تا توانستند اسلام را تا به امروز حفظ کنند و به دست ما برسانند. آنان که کمر برای حفظ اسلام بسته اند، باید اگر همه هم رفتند آنها بمانند. هیچ فریضه ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست. مردم انقلابی ما باید بدانند که برای حفظ اسلام و انقلاب، و نگهداری از ثمرات آن، و پاس خون شهیدان، لازم است از خود برداری انقلابی نشان دهند. شکر نعمت این است که به اسلام وفادار باشید. من به شما اخطار می کنم که به اسلام وفادار باشید! کوه مصیبتها در مقابل حیثیت اسلامی - ایرانی ما چون گاهی است. اسلام چیزی است که همه ما باید فدای او بشویم، تا این که تحقق پیدا بکند. تقیه برای حفظ دین است؛ جایی که دین در خطر بود جای تقیه نیست، جای سکوت نیست. گاهی وقتها تقیه حرام است. آن وقتی که انسان دید که دین خدا در خطر است نمی تواند تقیه بکند. باید همه ملت پاسدار اسلام باشند. تکلیف ما حفظ و جاهت اسلام است. آن روزی که احتمال ما بدهیم که اسلام در خطر است، باید همه مان فداکاری بکنیم. مقدرات اسلام مقدرات همه مسلمین است. و وظیفه هر کسی که در هر جا مشغول خدمتی است، در راس همه خدمتها، این است که موازین اسلامی را حفظ بکند. در این برهه از زمان که هستیم، اسلام مقابل با تمام کفر است، نه من و شما مقابلیم، من و شما مطرح نیستیم. وقتی دین خدا را انسان در خطر دید، برای خدا باید قیام کند. و وقتی احکام اسلام را در خطر دید برای خدا باید قیام کند؛ اگر توانست، عمل کرده به وظیفه و پیش هم برده، اگر نتوانست، عمل به وظیفه کرده. اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد.

اسلام و عمل ما

امروز اسلام بسته به اعمال شماست. اسلام را معیار حرکتهای خود قرار دهید. از ما نمی پذیرند که ما اسلامی هستیم، مگر خودمان به اسلام عمل بکنیم. الآن اسلام در دست ماست و ما پاسدار او هستیم، و اگر آسیب ببیند همه مامسئول هستیم، در بارگاه خدا همه مسئول هستیم. من امیدوارم که مسلمین، و خصوصاً سران مسلمین، از شعار به اسلام - که یک پوششی است برای عدم عمل بر احکام اسلام - دست بردارند و به اسلام به حسب آنچه که هست، فکر کنند و عمل کنند. شما فکر این را بکنید که حافظ اسلامید نه حافظ خود. بیرون برویم از این پوشش شیطانی به پوشش رحمانی؛ آن به این است که ما مطابق

نظام اسلام عمل کنیم. شما مسلمانان متعهد، دین خود را به اسلام بزرگ و خداوند متعال ادا کردید، و راه وفاداری و فداکاری را به ما آموختید. از اولیای خدا تعلیم بگیرید که همیشه دنبال مکتب بوده اند، نه دنبال خودشان. آن چیزی که سهل می کند مشکلات را، این است که ما برای اسلام تحمل زحمت می کنیم. شما با اسلام این پیروزی را پیدا کردید و با اسلام باید این پیروزی را تعقیب کنید. این قدرت اسلام و قدرت ایمان بود که مردم را به وحدت کشاند، و این وحدت و قدرت ایمان بود که مردم را به پیروزی کشاند. اگر انسان بخواهد برای اسلام خدمت کند، نباید توقع این را داشته باشد که همه او را بپذیرند. میزان در هر کس حال فعلی اوست. اسلام نه ظالم بود و نه زیر بار ظلم می رفت، و ما هم می خواهیم این طور باشیم، که نه ظلم کنیم و نه زیر بار ظلم برویم. با اتکا به تعالیم عالیه اسلام، و ایمان ما به مبادی بود که با دست خالی بر همه قوای شیطانی غلبه کردیم. اگر این مملکت مسلمان بشود، تربیت، تربیت اسلامی باشد، هیچ قدرتی نمی تواند مقابلش بایستد. اگر اسلام در این مملکت، احکام اسلام در این مملکت پیاده بشود، همه جهات مادی و معنوی تامین خواهد شد. امروز وظیفه ماست که در برابر خطراتی که متوجه اسلام و مسلمین می باشد، برای تحمل هرگونه نامالایمات آماده باشیم، تا بتوانیم دست خائنین به اسلام را قطع نماییم، و جلو اغراض و مطامع آنها را بگیریم. ما خودمان را باید فدا کنیم برای اسلام، آمال و آرزوهایمان را باید فدا کنیم برای اسلام. امروز غریبترین چیزها در دنیا همین اسلام است، و نجات آن قربانی می خواهد، و دعا کنید من نیز یکی از قربانیهای آن گردم. ملت اسلام عزیزان من، از فدایی دادن و نثار جان و مال در راه خدا و اسلام نهراسید؛ که این شیوه پیغمبر عظیم الشان و اوصیا و اولیای آنان بوده. و خون ما رنگینتر از خون شهدای کربلا نیست که با مخالفت با سلطان جائر، که متمسک به اسلام بود و خود را خلیفه اسلام معرفی می کرد، ریخته شد. شما که برای اسلام بپاخاسته اید و جان و مال نثار می کنید، در صف شهدای کربلا هستید، چرا که پیرو مکتب آنانید. اگر چنانچه اسلام به آنطوری که هست، و به آن طوری که خدای تبارک و تعالی اسلام را تاسیس کرده، اگر به آن طور اسلام پیاده بشود، فاتح مستعمرین خوانده می شود. پیغمبر بزرگ اسلام همه چیزش را فدای اسلام کرد تا پرچم توحید را به اهتزاز درآورد، و ما به حکم پیروی از آن بزرگوار، باید همه چیزمان را فدا کنیم تا پرچم توحید برقرار بماند. همه باید تحت بیرق اسلام و تحت پرچم اسلام برویم، لکن نه به طور شعار، به طور واقع و به طور حقیقت. اگر چنانچه احکام الهی در یک ملت پیاده بشود، باطل از آن ملت کوچ می کند. وقتی می توانیم با قدرتهای بزرگ مقابله کنیم و آسیب پذیر نباشیم، که متعهد به اسلام، متعهد به احکام اسلام باشیم. کوشش کنید که احکام اسلام را هم عمل کنید و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند. اگر امروز اسلام - خدای نخواست - لطمه ببیند، این گناهش به گردن همه ماست. هی نگویید من، بگویید مکتب من. مبادا از حرفهای خارجیها بترسیم و در پیاده کردن احکام خدا سستی کنیم. برای پیشبرد مقصود، ولو اسلامی باشد، ارتکاب خلاف اخلاق و فرهنگ، مطرود و از انگیزه های غیراسلامی است. نگرانی من از این است که نکند سستی کنیم و در پیاده کردن اسلام، دقت لازم را ننماییم. امروز اسلام در دنیا وضعی پیدا کرده است که اگر چنانچه - خدای نخواست - شکست بخورد، تا سالهای طولانی، دیگر نمی تواند سرش را بلند کند؛ برای این که قدرتهای بزرگ قدرت اسلام را فهمیده اند. اگر - خدای نخواست - در منبر شما چیزی بگویید که خودتان عاملش نیستید، و در مسجد چیزی بگویید که خودتان بر خلاف او عمل می کنید، مردم دلهایشان از شما منصرف می شود. باید چشم

و گوشمان را باز کنیم که با دست خودمان اسلام را از بین نبریم. کوشش کنید که مصالح اسلام و کشور اسلامی را فدای منافع شخصی یا گروهی نکنید. الآن یک وضعی داریم که اگر -خدای نخواستہ- یک قدم کجی برداریم، این را به اسم اسلام تمام می کنند. اسلام در دست ما امانت است، و ما موظفیم تا این امانت را حفظ کنیم. کاری نکنید که آن اسلام عزیز، که امروز دست شماست، با یک صورت خوبی تحویل بدهید به اعدایان، یک صورت مشوه درست نکنید که بگویند همین بود. اسلام نورانی است. اسلام عزیز امروز به ما سپرده شده است، و شما باید این اسلام را نگه دارید و به نسلهای آتیه بسپارید. کسی که برای رضای خدا -ان شاء الله- مشغول انجام وظیفه است، توقع این رانداشته باشد که مورد قبول همه قرار گیرد، هیچ امری مورد قبول همه نیست. کسی که دنبال حق می رود و برای رضای خدا کار می کند، نباید به فکر این باشد که به او چه گفته اند یا چه می گویند. کسی که برای خدا کار می کند، قیام برای خدا می کند، این از هیچ چیز نباید بترسد.

ادای تکلیف

مهم برای ما این است که ما به تکلیفمان عمل نکنیم. نباید نگران باشیم که مبدا شکست بخوریم، باید نگران باشیم که مبدا به تکلیف عمل نکنیم. تکالیف الهی امانات حق هستند. ما به وظیفه مان عمل می کنیم، و خدای تبارک و تعالی از ما بیشتر از آنچه قدرت داریم نمی خواهد. اگر ما به تکلیفی که خدای تبارک و تعالی برای ما تعیین فرموده است عمل نکنیم، باکی از این نداریم که شکست بخوریم. کشته بشویم تکلیف را عمل کردیم، بکشیم هم تکلیف را عمل کردیم. ما می خواهیم اسلام را حفظ نکنیم، با کناره گیری نمی شود حفظ کرد. خیال نکنید که با کناره گیری تکلیف از شما سلب می شود، تکلیف دو چندان است. همه ما، مأمور به ادای تکلیف و وظیفه ایم، نه مأمور به نتیجه.

نماز

نماز خوب، فحشا و منکر را از یک امتی بیرون می کند. بروید سراغ نماز، احیا کنید این سنت سیاسی اسلام را. نگویند که ما انقلاب کردیم حالا باید هی فریاد بزنیم! خیر نماز بخوانید، از همه فریادها بالاتر است. نماز جمعه در راس همه امور است. نماز جمعه که نمایی از قدرت سیاسی و اجتماعی اسلام است، باید هر چه شکوهمندتر و پر محتواتر اقامه شود. اجتماعات خود را، خصوصا در روز جمعه، هر چه بیشتر فشرده کنید، و به مراسم و شعایر مذهبی اهمیت دهید. یکی از برکات این نهضت و انقلاب همین اقامه نماز جمعه هاست. نمازهای جمعه و جماعت، را با شکوه بجا بیاورید، و نمازهای غیر جمعه را هم، که شیطانها از نماز می ترسند، از مسجد می ترسند. از نماز جمعه و جماعت، که بیانگر سیاسی نماز است، هرگز غفلت نکنند. این نماز جمعه از بزرگترین عنایات حق تعالی بر جمهوری اسلامی ایران است. خدای تعالی دوست دارد که در وقت ذکر او، بنده منقطع به سوی او باشد، و متضرع و خالص باشد.

خودسازی و مبارزه با نفس

ما تا اصلاح نکنیم خودمان را ، نمی توانیم کشور خودمان را اصلاح کنیم. هر کسی از خودش باید شروع کند ، و عقاید و اخلاق و اعمالش را تطبیق با اسلام بدهد. و بعد از این که خودش را اصلاح کرد ، آن وقت دنبال این باشد که دیگران را اصلاح کند. اگر بخواهید کشور شما یک کشور مستقلی باشد که دیگران نتوانند در آن دخالت بکنند ، از خودتان باید شروع کنید. شما خودتان را درست کنید ، کشورتان درست می شود. آن چیزی که بر همه ما لازم است ابتدا کردن به نفس خودمان است ، و قانع نشدن به این که همان ظاهر درست بشود ، و از قلبمان شروع کنیم ، از مغزمان شروع کنیم ، و هر روز دنبال این باشیم که روز دومان بهتر از روز اولمان باشد. از بالاترین و والاترین حوزه هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد ، علوم معنوی اسلامی از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله است - رزقنا الله و ایاکم - ، که جهاد اکبر می باشد. علم و تهذیب نفس است که انسان را به مقام انسانیت می رساند. این فراموشی از خود مقدمه برای کمال انسان است. قبل از این که این نامه اعمال ما برای پیشگاه خدا ، و قبل از این که آن ، برای پیشگاه امام زمان - سلام الله علیه - برسد ، خودمان باید نظر کنیم. کاری بکنید که وقتی از اینجا بار را بستید ، در حضور خدای تبارک و تعالی با روسفیدی باشید. همه مکلفیم که تزکیه بشویم ، تا بتوانیم از نور الهی و نور قرآن استفاده کنیم. باید خودتان را بسازید تا بتوانید قیام کنید. خود ساختن به این که تبعیت از احکام خدا کنید. اگر ما خودمان را اصلاح کنیم، قهرا آن مقصدی که ما داریم در دنیا هم صدور پیدامی کند. سازندگیهای روحی مقدم بر همه سازندگی هاست ، جهاد سازندگی از خود افراد باید شروع بشود. بسازید ! باید بسازیم خودمان را. جدیت کنید که این جهاد سازندگی را از خودتان شروع کنید. وقتی از خودتان شروع کردید ، هر کاری بکنید ، این کاری است الهی. باید انقلاب باطنی بکنیم ، باید نفوسمان هم منقلب بشود ، اگر تا حالا در تحت سلطه شیطان و طاغوت بوده است ، متحول بشویم. در نفسی که مهذب نشده ، علم حجاب ظلمانی است. تکلیف الهی است که اگر در دلمان هم بعضی مان از بعضی مان خوشش نمی آید ، در مقام عمل ، در مقام ذکر ، در مقام تبلیغ ، بر خلاف نفس خودش عمل بکند. اگر علم بلا تهذیب باشد ضررش از جهل بدتر است. آن وقتی کلام تاثیر دارد که از قلب مهذب و پاک بیرون بیاید. این من را اگر انسان زیر پا گذاشت. او شد ، اصلاح می کند همه چیز را. گاهی علم توحید انسان را به جهنم می فرستد ، گاهی علم عرفان انسان را به جهنم می رساند ، گاهی علم فقه انسان را به جهنم می فرستد ، گاهی علم اخلاق انسان را به جهنم می فرستد ، با علم درست نمی شود ، تزکیه می خواهد. علم توحید هم اگر برای غیر خدا باشد از حجب ظلمانی است. خدا نکند انسان پیش از آن که خود را بسازد جامعه به او روی آورد و در میان مردم نفوذ و شخصیتی پیدا کند. که خود را می بازد ، خود را گم می کند. آن کس که اتکا به خدا دارد منصور است. دستت از این عالم - که مزرعه آخرت است - اگر کوتاه شد ، دیگر کار گذشته است و اصلاح مفاسد نفس را نتوانی کرد. من خوف این را دارم که آنها برای خاطر ما و شنیدن حرف ما به بهشت بروند ، و ما برای خاطر این که خودمان مهذب نبودیم به جهنم. عید واقعی آن وقتی است که انسان رضای خدا را به دست بیاورد ، درون خود را اصلاح کند. تا ساخته نشود یک ملت و یک جامعه ، نمی تواند به آن مقاصد عالیه ای که دارد برسد.

ایمان و ارزشهای معنوی

اگر ایمان وارد قلب شود کارها اصلاح می شود. ایمان به خدا نور است، ایمان به خدا باعث می شود که تمام تاریکیها از پیش پای مؤمنین برداشته بشود. ایمان عبارت از این است که آن مسائلی را که شما با عقولتان ادراک کرده اید، آن مسائل را قلبتان هم به آن آگاه بشود، باورش بیاید. کسانی که با خدا باشند، توجه به خدا و ایمان به خدا داشته باشند، خداوند آنها را از تمام ظلمتها، از تمام تاریکیها خارج می کند، و به حقیقت نور می رسند. بدان که حقیقت علم و ایمان - که متقوم به علم است - نور است. بدان که ایمان نیز از کمالات روحانیه ای است که به حقیقت نوریه آن کمتر کسی آگاه گردد. حتی خود مؤمنین تا در عالم دنیا و ظلمت طبیعت هستند، از نورانیت ایمان خود و کراماتی که در پیشگاه مقدس حق برای آنها است مطلع نیستند. مبدا همه خیرات و مبدا همه ترقیاتی که برای یک مملکت است، چه در جهت مادی، چه در جهت معنوی، این است که ایمان در کار باشد. تهدید و تطمیع در کسانی اثر می کند که ایمان ندارند. مدعیان ایمان زیادند، لکن مؤمنین اندکند. اگر جنبه ایمان مردم تقویت شد، همه امور به راحتی انجام می شود. عدد کم بودن اشکال ندارد، ایمان قوی بودن مهم است. آنچه میزان سعادت است این است که انسان مؤمن باشد، و صبر داشته باشد و دیگران را به صبر وادار کند، و حق بگوید و دیگران را به حق گفتن وادار بکند. من نمی توانم باور کنم که کسی مبادی معنوی نداشته باشد و برای مردم کوشش کند. کوشش کنید معنویت را تقویت کنید در بین این ملت، با معنویت است که شمامی توانید استقلال خودتان را حفظ کنید و به مراتب کمال برسائید. ارزشهای معنوی ارزشهای همیشگی هستند. همه بدبختیها از ضعف ایمان و سستی یقین است. شرافت به تقواست. خرابیهای مادی جبرانش آسانتر از خرابیهای معنوی است. کسانی که برای خدا کار می کنند، هیچ وقت باخت در آن نیست. آنهايي که برای دنیا کار می کنند باخت دارند، که اگر نرسیدند، خوب باختند و عمرشان راهم هدر دادند. ما امیدمان به خداست و مایوس از خدا نیستیم، و بر مشکلات به امید خدا غلبه می کنیم. من اطمینان دارم که تا این ملت توجه به خدا دارد، هیچ قدرتی نمی تواند به این آسیب برساند. اگر ملت ما برای خدا و برای رضای پیغمبر اکرم به پیش برود، تمام مقاصدش حاصل خواهد شد. گمان نکنید که کاخ سفید و کرملین الآن آرام نشسته اند و با وضع آرام زندگی می کنند، آنها با اضطراب زندگی می کنند، و این اضطراب برای این است که آنها تبع شیطان هستند، و شیطان نمی گذارد که طمانینه پیدا بشود در قلب انسان. اگر ایمان به خدا و عمل برای خدا در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی وسایر شوون زندگی بشر وارد شود، پیچیده ترین مشکلات امروزی جهان به آسانی حل می شود.

تقوا ملاک برتری

آنی که تقوایش بیشتر است، آنی که ترسش از خدا بیشتر است، آنی که خدمت برای خدا می کند، او مقدم است. همه برادر و برابرند، فقط و فقط کرامت، در پناه تقوا، و برتری، به اخلاق فاضله و اعمال صالحه است. آنچه اصل است تقواست، ولی اگر همین تقوا نزد اشخاصی جاهل باشد، گاهی ضررمی زند. اگر مجهز به علم و تقوا و شعور انقلابی - اسلامی شدید

پیروزی‌تان حتمی است ، واگر - خدای نکرده - در این مرحله کوتاهی کنید ، مسئولیت آن به عهده خودشماس‌ست. ملت اگر متقی شد می‌تواند که حفظ کند خودش را از همه آفاتی که در دنیا پیش می‌آید.

اخلاص

قلب را به خلوص نیت و صدق باطن مزین نماییم و صفا دهیم! هیچ عبادتی بی نیت خالصه ، مقبول درگاه حق تعالی نیست. هیچ چیز در عبادات به اهمیت نیت و تخلیص آن ، نیست. خودتان را متصل کنید به آن دریای لایزال ، و کارهایتان را کارهای الهی کنید. توجه به احکام خدای تبارک و تعالی داشته باشید. کمال و حسن اعمال ، به نیت و اقبال قلب و حفظ حدود است. در هر درجه که هستی بکوش ، و اخلاص خود را زیادت کن ، و اوهام نفس و وساوس شیطان را از دل بیرون نما ، البته نتیجه برایت حاصل می‌شود ، و راهی به حقیقت پیدا می‌کنی ، و طریق هدایت برای تو باز می‌شود ، و خداوند تبارک و تعالی از تودستگی‌ری می‌فرماید. شما روی تدبیر و فکر عمل کنید، دیگر نه از کشتن بترسید و نه از کشته شدن. عمده این است که قصدتان خالص باشد. کوشش کنید مقصد خودتان را خالص کنید برای خدا ، که چه کشته بشوید و چه بکشید شما اهل نجات هستید. جدیت کنید که کارهایتان برای خدا باشد ، قیامت‌ان لله باشد.

اخلاق پسندیده

با اخلاق مردم را خاضع کنید، و خضوع قلبی میزان است. و اگر بتوانید قلب مردم را همراه خود کنید، این چیزی است که پیش خداوند دوام و ثبات دارد. با بندگان خدا ، که مورد رحمت و نعمت او هستند و مخلع به خلعت اسلام و ایمانند ، دوستی پیدا کن و محبت قلبی داشته باش.

صبر

صبر کلید ابواب سعادات و سر منشا نجات از مهالک است. صبر بلیات را بر انسان آسان می‌کند. مشکلات را سهل می‌نماید ، و عزم و اراده را قوت می‌دهد. مقصد هر چه بزرگتر باشد ، رنج در راه آن هر چه زیاد باشد ، باید انسان تحمل کند. اگر چنانچه استقامت کنیم مؤید به تائیدات الهی هستیم.

توبه

برای هر کسی ، هر کاری بکند ، باز جای توبه هست ، در توبه باز است ، رحمت خدا واسع است. توبه شریطی دارد که تا آن شرایط تحقق پیدا نکند ، خدای تبارک و تعالی قبول نمی‌کند. بهار توبه ایام جوانی است که بار گناهان کمتر ، و کدورت قلبی

ناقصتر ، وشرایط توبه سهلتر و آسانتر است. پشیمانی و عزم بر ترک گناه، برای کسانی که پنجاه سال یا هفتاد سال غیبت و دروغ مرتکب شده ، ریش خود را در گناه و معصیت سفید کرده اند حاصل نمی شود. توبه کنید ! زیرا توبه با لفظ اتوب الی الله تحقق نمی یابد ، بلکه ندامت و عزم بر ترک لازم است .

مفاسد و انحرافات اجتماعی

انبیا مثل یک طبییی بودند که می خواستند اصلاح کنند جامعه را. اگر انحراف اخلاقی نباشد، هیچ یک از این سلاحهای جنگی به حال بشر ضرر ندارد. آن چیزی که دارد این سیاره ما را در سراسییبی انحطاط قرار می دهد ، انحراف اخلاقی است. آن که فاسد می کند جامعه را ، و دست از فسادش برنخواهد داشت ، او را باید از جامعه جدا کرد ؛ او یک غده سرطانی است که جامعه را فاسد می کند. نجات معتاد نجات یک فرد نیست ، نجات اسلام است. این وظیفه شرعی نیست که کسی نسبت به مسلمانی اهانت کند ، از برادر دینی بدگویی نماید ؛ این حب دنیا و حب نفس است ، این تلقینات شیطان است که انسان را به این روز سیاه می نشاند. اذیت مسلم و آزار مؤمنین از بزرگترین گناهان کبیره است .

امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر بر همه ملت واجب است. سفارش به حق ، که امر به معروف است و نهی از منکر است ، بر همه مسلمین واجب است. اگر یک حکم ظالمی بر مردم مسلط شد ، علمای ملت ، دانشمندان ملت باید استنکار کنند ، باید نهی از منکر کنند. شما و ما موظفیم که هم در تمام اموری که مربوط به دستگاههای اجرایی است امر به معروف کنیم ، و اگر اشخاصی پیدا می شوند که خلاف می کنند ، معرفی کنیم به مقاماتی که برای جلوگیری مهیا هستند ؛ و مشکلات را هم تحمل کنیم. شما از اول اگر جلوی فساد را نگیرید ، معلوم نیست که به وضع سابق منتهی نشود. از آنچه در نظر شرع حرام ، و آنچه بر خلاف مسیر ملت و کشور اسلامی ، و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است ، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود همه مسئول می باشند.

مبارزه با ظلم و ظلم پذیری

برنامه ما این است که نه ظلم بکنیم و نه ظلم بشنویم. نه به کسی ظلم می کنیم و نه زیر بار ظلم می رویم. نه ظلم به دیگران می کنیم و نه زیر بار ظلم دیگران می رویم. ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه آن مکتب خلاصه می شود در دو کلمه، لا تظلمون و لا تظلمون. ما تحت رهبری پیغمبر اسلام این دو کلمه را می خواهیم اجرا کنیم، نه ظالم باشیم و نه مظلوم. آن قدر که ظالم ضرر می برد از ظلمش، مظلوم از ظلم ظالم آن قدر ضرر نمی برد. ملت ما در مقابل حق و عدالتک تسلیم است، چنانچه در مقابل ظلم و جور ایستاده است .

انقلاب اسلامی

این انقلاب، بهترین انقلابها و بزرگترین انقلاب بوده است از حیث محتوا. انقلاب اسلامی بزرگ ما، قبل از آن که انقلاب سیاسی و اجتماعی باشد یک انقلاب معنوی روحانی است. بدانید این مطلب را که تا کنون انقلابی به خوبی انقلاب ایران نبوده است. انقلاب مردم ما انقلابی است متکی به خود مردم، پس مردم باید از پیامدهای انقلابشان گله نداشته باشند. ایران حفظ انقلاب را با افراد مؤمن کرد، و الآن هم به دست افراد مؤمن این انقلاب پیش می رود. دشمنان ما باید بدانند که هیچ انقلابی در جهان، همانند انقلاب اسلامی ما با ضایعه ای کم و ره آوردی عظیم همراه نبوده است، و این نیست جز به برکت اسلام. قیام شما جوانهای ایران، قیام شما ملت ایران که قیام الهی بود، نهضت الهی بود، قرآن را زنده کرد، اسلام را زنده کرد. با فداکاری از انقلاب اسلامی پاسداری کنیم، و برای ادامه این مکتب عزیز که (موجب) رهایی مستضعفان جهان و سرکوبی مستکبران است، از هواهای نفسانیه که میراث شیطان است بر حذر باشیم. تا امروز شما هیچ انقلابی را پیدا نخواهید کرد که مثل انقلاب ایران پر ثمر و کم ضایعه (باشد). انقلاب مثل یک طفلی می ماند که باید تربیت کرد و بزرگش کرد، پرستای می خواهد. ملت ما باید مصمم باشد به این که آن چیزی را که به دست آورده است از دست ندهد. نهضت مقدس اسلامی ما، عمر چپاولگریها و دیکتاتوریهها را در ایران به سرآورده است. قربانی شدن و قربانی دادن در راه انقلاب و پیروزی آن اجتناب ناپذیر است، بویژه انقلابی که برای خداست و برای دین او، برای نجات مستضعفان است. آنهایی که به عکس جلوه می دهند این نهضت اسلامی ایران را، شما در مقابل آنها بایستید و حق خودتان را به آن طوری که هست ترویج کنید، تا انشاء الله حق در همه بلاد اسلام پیاده بشود، و باطل خودبخود از همه ممالک اسلام، بلکه انشاء الله از همه ممالک دنیا از بین برود و ذاهق بشود. در این نهضت پیش بروید و ابدا به خودتان هیچ یأس چهره کفرزدایی و فقرستیزی، «دین به دنیا فروشان» و «از راه رسیده ها» راه ندهید، که یأس از جنود شیطان است. باید سعی شود تا روشن انقلاب ما را خدشه دار نکنند. شما یک انقلابی کردید و یک سدی را شکستید که در دنیا نظیرش کم، یا نبوده است. می خواهیم انقلابمان را صادر کنیم، نمی خواهیم با شمشیر باشد، بلکه می خواهیم با تبلیغ باشد. مردم ایران ثابت کرده اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت. مسئولین صاحبان اصلی انقلاب را با بهانه های بی اساس پس نزنند، تا به جای آنان کسانی را که وارثان رژیم گذشته، و وابستگان فکری به آنان هستند جایگزین کنند. قربانی برای انقلاب بزرگ، نشانه یک پیروزی و نزدیک شدن به هدف است. من به سهم خودم هیچ نگرانی ندارم راجع به انقلاب، انقلاب راه خودش را پیدا کرده و پیش می رود، و بستگی به وجود هیچ کس هم ندارد. من در میان شما باشم و یا نباشم، به همه شما وصیت و سفارش می کنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد. تا آمریکا نرود و تا دست این ابرقدرتها از روی مملکت ما برداشته نشود، ما نهضتمان بر قرار است و فریادمان هم بر قرار است و کارهایمان را هم انجام می دهیم، و انشاء الله موفق خواهیم شد. ما در مقابل آمریکا یک عبد ذلیل بودیم، ولی ایران این ذلت را شکست و عزت پیدا کرد. آن تحولی که در ملت پیدا شد که از حال خوف برگشت به حال قدرت، از حال ضعف برگشت به حال قدرت، این تحول، تحول الهی بود. یک دست الهی بود پشت سر این ملت. ملت ما برای شکم قیام نکرده بود، ملت ما برای این امور

منحط قیام نکرده بود. فرق هست مابین این نهضت و نهضت‌های دیگر، از این جهت که نهضت ملی است و اسلامی. نهضت مقدس ایران نهضت اسلامی است، و از این جهت بدیهی است که همه مسلمین جهان تحت تأثیر آن قرار گیرند.

وحدت و برادری

مسلمین باید ید واحده باشند بر ضد همه ستمگران. اصولاً دعوت به اسلام عدوت به وحدت است. مؤمنین سرتاسر دنیا برادرند به حسب حکم قرآن، و برادرها برابرند. در اسلام همین برادری است که مبدا همه خیرات است. با حفظ برادری، شما به این جا رسیدید؛ و با حفظ برادری باید جلو بروید. من مکرر اعلام کرده ام که در اسلام نژاد، زبان، قومیت و ناحیه مطرح نیست. تمام مسلمین - چه اهل سنت و چه شیعه - برادر و برابر، و همه برخوردار از همه مزایا و حقوق اسلامی هستند. سنی و شیعه مطرح نیست در اسلام، کرد و فارس مطرح نیست در اسلام، همه برادر با هم هستیم. ما الان همه مان با هم موظفیم که دست به دست هم بدهیم، برادر باشیم با هم، و همه با هم بسازیم ایران را. آنچه که لازم است الان برای همه ما، حفظ این وحدت است. تا آن وقت که یک هستید این یک را کسی نمی تواند بشکند. اگر علاقه به استقلال ایران دارید وحدت مذهبی داشته باشید. راه‌های هر ملتی از چنگال استعمار، مذهب است که ریشه در عمق جان آن ملت دارد. مادامی که حفظ کنید شما وحدت خودتان را، خدا با شماست، یدالله مع الجماعه. ملت ایران با این وحدت کلمه و اتکال به اسلام نهضت را پیش برد، و این رمز را از دست نخواهد داد. باید ما همه این رمز را بفهمیم که وحدت کلمه رمز پیروزی است، و این رمز پیروزی را از دست ندهیم. ما در سایه آرامش و وحدت می توانیم این کشور را به مقاصد عالیه اسلامی برسانیم. امروز روز اتحاد و یگانگی است، و این هم از الطاف بزرگ و تاییدات الهی است. همه می دانیم وحدت ملت چه اثرهای معجزه آسای داشته است و دارد؛ و در مقابل، تفرقه و تنازع چه نکبت‌هایی به سر مسلمین در طول تاریخشان آورده است. رمز پیروزی شما ملت بزرگ، وحدت کلمه و اتکال به ایمان بود. این وحدت و توجه به خدا و الله اکبر بود که شما را بر آن قدرتها پیروز کرد. از امور مهمه ای که بر همه ما واجب است دفاع از اسلام، دفاع از جمهوری اسلامی است، و آن بستگی دارد به وحدت. کوشش کنید که این وحدت از دست نرود، و مهم این که اتکال بر خدا از دست نرود. اگر مسلمین ید واحد باشند کسی نمی تواند مقابل این جمعیت قیام کند. اگر مسلمین با هم متحد بشوند هیچ دولتی نمی تواند به آنها غلبه کند. اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را، همه را با هم متحد کند؛ و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند. باید ما شیعه و سنی، با هم برادر باشیم، نگذاریم دیگران بیایند همه چیزمان را ببرند. واجب است بر همه مسلمین که با هم باشند. اگر ملت‌های مسلم که تقریباً یک میلیارد جمعیت هستند، اینها برادر با هم باشند و به برادری با هم رفتار کنند، هیچ آسیبی بر اینها واقع نمی شود. این جانب با کمال تواضع، دست خود را به طرف تمام جناح‌هایی که در خدمت اسلام هستند دراز می کنم، و از همه استمداد می کنم که با هم پیوستگی همه جانبه، در راه بسط عدالت اسلامی که یگانه راه سعادت ملت است کوشا باشند. این جانب با تمام طاقت، در حصول وحدت همه اقشار ملت مسلمان کوشش کرده و می کنم، و از خداوند متعال در این امر بسیار مهم که هستی ملت بدان پیوسته است استمداد می نمایم. سخنرانی‌های سالم و سازنده در محیط‌های

سالم غیرمتشنج، برای ایجاد وحدت و تفاهم و جلوگیری از اختلاف و تشنج، مفید و موجب رضای خداست. هی نگویید وحدت و دنبالش نباشید، عملاً با هم وحدت داشته باشید. شما برادرهای هم هستید. تا کید می کنم که اگر سران با هم خوب باشند، این کشور صدمه نمی بیند ؛ و اگر صدمه ای این کشور ببیند از اختلاف سران است. همیشه سفارش کردیم به این که باید وحدت کلمه داشته باشید تا بتوانید یک کاری انجام بدهید. اگر هر کدام یک جناح خاصی باشد، یک طرف خاصی بکشد / و او طرف دیگری بکشد /، این، اولین استفاده اش مال اجانب است. با هم باید متحد بشویم، و اگر با هم متحد بشویم آسیب پذیر نیستیم. اگر بخواهید که اسلام تحقق پیدا بکند، همه آثار شرک و کفر از این مملکت از بین برود، باید این وحدت کلمه و این نهضت را حفظ کنید. اگر چنانچه یک ملتی نخواهد آسیب ببیند، باید این ملت اولاً با هم متحد باشد، و ثانياً در هر کاری که اشتغال دارد آن را خوب انجام بدهد. ما یک ارتش جدای از سپاه و سپاه جدای از کمیته و کمیته جدای از بسیج، و همه اینها جدای از عشایر، نداریم، ما برادرهایی هستیم که اسماءشان مختلف است لکن ارواحشان یکی است. تمام قوای مسلح در جمهوری اسلامی، برای مقصد واحد و هدف معین کوشش می کنند، و همه باید به منزله دست واحد علیه مخالفان و معاندان با اسلام و جمهوری اسلامی باشند. انسجامی که امروز بین ملت دلیر و ارتش و سپاه شجاع دیده می شود، در تاریخ ایران و جهان بی سابقه است. ما متحد و نیرومند و آماده نبردیم ؛ که دستخوش تجاوزات بیگانه شده و می شویم و ظلم می بینیم. بر دانش آموزان، دانشگاهیان و محصلین علوم دینی است که با تمام نیرو وحدت خویش را حفظ، و از انقلاب اسلامی خود طرفداری نمایند. برادر باشیم! مخاصمه مال اهل جهنم است. امروز رمز پیروزی شما وحدت کلمه اسم. شما امروز احتیاج دارید به وحدت کلمه، امروز بیشتر از دیروز احتیاج دارید، و فردا بیشتر از امروز. اراده خدا بود که منت بر همه گذاشت و همه اقشار را با هم متحد کرد. مطمئن باشید که وقتی یک ملت در یک امر اسلامی همدست شدند -چنانچه که می بینید شدند-، هیچ قدرتی نمی تواند آنها شما را عقب بزند. تمام مسلمین با هم برادرند و برابرند و هیچ یک از آنها از دیگری جدا نیستند ؛ و همه آنها زیر پرچم اسلام و زیر پرچم توحید باید باشند.

استقلال و نفی وابستگی

اگر بخواهیم مستقل باشیم، باید مهیا باشیم که با همه چیز مقابله بکنیم. عمده این است که ما باور کنیم که خودمان می توانیم. مملکت مملکت خودمان است، خودمان هم باید آبادش کنیم. بزرگترین فاجعه برای ملت ما این وابستگی فکری است که گمان می کنند همه چیز از غرب است و ما در همه ابعاد فقیر هستیم. یک مملکت اگر بخواهد خودش روی پای خودش بایستد، مستقل بشود در همه ابعاد، چاره ندارد جز این که تفکر این که ما باید از خارج چیز وارد بکنیم را از کله اش بیرون کند. ما می خواهیم زندگی فقیرانه داشته باشیم ولی آزاد و مستقل باشیم. این را باید به خودمان اثبات کنیم که ما هم آدمیم، که ما هم هستیم در دنیا، که شرق هم یک جایی است، همه اش غرب نیست. ما ارزش حیات را به آزادی و استقلال می دانیم. بزرگترین آرزوی من این است که مردم ایران از چنگال ظلم نجات پیدا کنند، و صاحب کشوری باشند آزاد و مستقل، دارای نظامی اسلامی که در آن حقوق انسانها آنچنان که اسلام دستور داده است رعایت شود، و در راه پیشرفت و ترقی و

سعادت انسانی سرمشق برای همه ملت‌ها باشد. برادرهای من! اگر بخواهید آبرومند بشوید در دنیا و آخرت، و شرافتمندانه زندگی کنید، باید با قدرت و شدت در مقابل دیگران بایستید، و در بین خودتان رحیم و رئوف و دوست باشید. خودتان را مهیا کنید برای ساختن کشورتان؛ و ارزش دارد که ما یک ده سال پانزده سال زحمت بکشیم و رنج ببریم و کشورمان مستقل بشود، و از دست و چنگال این گرگ‌های آدمخوار بیرون کشیده بشود. فرزندان عزیزم! دیگر این شماست که باید هر چه بیشتر کوشش کنید تا نهال آزادی و استقلال کشور را آبیاری کنید. اگر چنانچه استقامت کنیم، موید و تاییدات الهی هستیم. در راس برنامه ملت و دولت باید استقلال همه جانبه کشور، از قوای انتظامیه گرفته تا قوای تقنینیه و قضایه و اجرائیه باشد. هر کس در هر جا که هست کوشش کند، و کوشش این باشد که ما باید وابسته نباشیم. همت کنید تا آخرین رگ و ریشه‌های وابستگی این کشور به بیگانگان را، در هر زمینه‌ای قطع نمایید. این وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج، منشا اکثر بدبختی‌های ملت‌ها و ملت ماست. اگر ما از وابستگی فکری بیرون بیاییم همه وابستگی‌ها تمام می‌شود. شما مردم شریف ایران، در جریان مبارزه با استعمار و استثمار پیروزی بزرگی به دست آوردید، و توانستید با اتکال به خدای متعال و وحدت کلمه و مشارکت همه قشرها بر طاغوت زمان غلبه کنید، و پشت ابرقدرتها را بلرزانید. مبارک آن روزی است که دست اجانب از ممالک ما، از ممالک اسلامی کوتاه شود و مسلمین روی پای خودشان بایستند. یک ایران آزاد ما می‌خواهیم و یک ایران مستقل ما می‌خواهیم، یک ایران قدرتمند می‌خواهیم؛ یک ایرانی ما می‌خواهیم که خود ملت بایستد و خود ملت اداره کند مملکت را. تا این دو دست ما طرف شرق و غرب دراز است ما وابسته هستیم، ما که می‌خواهیم وابسته نباشیم باید اول بیدار بشویم به این که ما خودمان هم شخصیت داریم، ما می‌توانیم کار انجام بدهیم. گمان نکنید که ما حتما باید همه چیزمان را از دیگران بگیریم، نه! شما به فکر این باشید که همه چیزتان را خودتان درست کنید. عید مسلمین وقتی سعید و مبارک هست که مسلمین خودشان استقلالشان را و مجدشان را، آن مجدی که در صدر اسلام برای مسلمین بود، به دست بیاورند. ما تا نفهمیم که خودمان هم یک شخصیت داریم، مسلمانها هم یک گروهی هستند و شخصیتی دارند و می‌توانند خودشان هم کار انجام بدهند، تا نخواهیم یک کاری را، نمی‌توانیم؛ و تا بیدار نشویم، نمی‌خواهیم. باید همه ریشه‌های استبداد و ریشه‌های استعمار را از این مملکت بکنید. اجازه نمی‌دهیم کسی در مقدرات مملکتمان دخالت کند. احتیاج ما پس از این همه عقب ماندگی مصنوعی به صنعت‌های بزرگ در کشورهای خارجی، حقیقتی است انکارناپذیر؛ و این به آن معنی نیست که ما باید در علوم پیشرفته، به یکی از دو قطب وابسته شویم. برای ما فرقی بین شرق و غرب نیست، ما با اتکا به خدا و ملت شجاع استقلال واقعی را به دست می‌آوریم. ملت ایران بدون اتکا به غرب و شرق می‌خواهد روی پای خود بایستد، و بر سرمایه‌های مذهبی و ملی خود استوار باشد. ملت ایران تصمیم گرفته است که خود را از چنگال استعمار و استبداد نجات دهد، و مستقل و آزاد باشد؛ و سیاست‌های خود را بر این دو پایه طرح ریزی می‌کند؛ و برای او مهم نیست که چه کسی این سیاست‌ها را می‌پسندد و یا نمی‌پسندد. ما با هر نوع دخالت خارجی، به هر شکل، در سرنوشت ملت‌های دیگر مخالفیم و با این دخالتها مبارزه خواهیم کرد. آزادیخواهی و استقلال طلبی شما در جبین تاریخ ثبت شد. و صیت من به وزرای خارجه در این زمان و زمان‌های بعد، آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است، چه در اصلاح و تحول وزارتخانه و سفارتخانه‌ها، و چه در

یاست خارجی حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولتهایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند. و از هر امری که شائبه وابستگی - با همه ابعادی که دارد - در آن هست به طور قاطع احتراز نمایید. ما اگر چنانچه بخواهیم اسلام را پیش ببریم دیگر نباید نوکر باشیم. آیا آنهایی که استقلال ملت ما را می خواهند سلب کنند، آزادی کشور ما و ملت ما را می خواهند از دستش بگیرند، آنها مرتجع هستند، یا آنهایی که می خواهند از زیر بار ظلم خارج بشوند و مستقل باشند امیدواریم که صلح جهانی بر پایه استقلال ملتها و عدم مداخله در امور یکدیگر، و مراعات اصل حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه، بنا گردد. ما روی پای خود می ایستیم و مطمئناً پیروزیم. اگر شما بخواهید استقلال پیدا بکنید و آزادی حقیقی پیدا بکنید، باید کاری بکنید که در همه چیز خودکفا باشید. استقلال مغزی شرط اول استقلال است، استقلال فکری شرط اول استقلال است. ملتها خودشان باید در فکر اسلام باشند. اگر ملت این باور را داشته باشد که ما می توانیم در مقابل قدرتهای بزرگ بایستیم؛ این باور اسباب این می شود که توانایی پیدا می کنند و در مقابل قدرتهای بزرگ ایستادگی می کنند.

ولایت فقیه

و ولایت فقیه برای مسلمین یک هدیه ای است که خدای تبارک و تعالی داده است. بهترین اصل در اصول قانون اساسی، این اصل ولایت فقیه است. امروز فقهای اسلام حجت بر مردم هستند. و لی امر حجت خداست. ملت بی هادی نمی تواند کاری انجام بدهد. من به همه ملت، به همه قوای انتظامی اطمینان می دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد. رهبر و رهبری در ادیان آسمانی و اسلام بزرگ، چیزی نیست که خودبخود ارزش داشته باشد، و انسان را - خدای نخواستہ - به غرور و بزرگ اندیشی خود وادارد. اگر یک فقیهی یک مورد دیکتاتوری بکند، از ولایت می افتد. فقیه اگر پایش را اینطور، کج بگذارد، اگر یک گناه صغیره هم بکند، از ولایت ساقط است. مگر ولایت یک چیزی آسانی است که بدهند دست هر کس. فقیه نمی خواهد به مردم زورگویی کند، اگر یک فقیهی بخواهد زورگویی کند این فقیه دیگر ولایت ندارد. و ولایت فقیه است که جلوی دیکتاتوری را می گیرد؛ اگر ولایت فقیه نباشد دیکتاتوری می شود. و لایتی که در حدیث غدیر است به معنای حکومت است، نه به معنای مقام معنوی.

جایگاه و نقش مردم

ملت بود که این نهضت را پیش برد، و ملت است که باید از این به بعد نیز به پیش ببرد. ما هرچه داریم از این ملت است، البته ملت اسلامی که با فریاد الله اکبر این کار را انجام دادند. امروز زمانی است که ملت ها چراغ راه روشنفکرانشان شوند، و آنها را از هدایت کنندگان « خودباختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند، که امروز روز حرکت ملتهاست و آنان هادی مطمئن باشید که پیروز هستید، و هیچ قدرتی هم نمی تواند با شما مقابله کند برای این که قدرت، قدرت ملت است. یک « تاکنونند ملت وقتی یک چیزی را بخواهد، این، خواهد شد. و قتی ملتی چیزی را خواست کسی نمی تواند مخالفت کند. هیچ قدرتی در مقابل قدرت لایزال ملت نمی تواند پابرجا بماند. ما باید بدانیم که اگر ملتها چیزی را خواستند، تحقق پیدا

می کند. سرنوشت هر ملتی به دست خودش است. هر ملتی باید سرنوشت خودش را، خودش تعیین کند. با اراده ملت‌ها، اراده ای که تبع اراده خداست، اراده ای که برای خداست، غیر ممکن‌ها ممکن می‌شود و محال‌ها واقع. ما به نیروی ملت اتکا داریم. جلب نظر مردم از اموری است که لازم است. پیغمبر اکرم جلب نظر مردم را می‌کرد، دنبال این بود که مردم را جلب کند، دنبال این بود که مردم را توجه بدهد به حق. مبدأ نجات از خود ملت است. آگاهی مردم، و مشارکت و نظارت و همگامی آنها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه می‌باشد. به شهادت تاریخ، هیچ قدرتی نمی‌تواند آتش قلب ملت مظلومی را که برای رسیدن به آزادی و استقلال قیام کرده است فرونشاند. هیچ اسلحه ای با ایمان نمی‌تواند مقابله کند، هیچ اسلحه ای با قیام ملت نمی‌تواند مقابله کند. یک قدرت بزرگ وقتی پایگاه ملی ندارد، این قدرت نمی‌تواند بایستد. اگر ملت پشتیبان یک دولتی شد، دولت نمی‌تواند درست بشود. تمام گرفتاریهایی که ما در طول « این حکومتی »، « نباشد حکومتی » سقوط نمی‌کند. اگر یک ملتی پشتوانه مدت تاریخ داشتیم، بهره برداری از جهالت مردم بوده است. امروز روزی نیست که کسی اتکا به سرنیزه بکند، دنیا عوض شده، ملت‌ها یکی بعد از دیگری دارند بیدار می‌شوند. قدرتها هرچه هم بزرگ باشند، وقتی مقابل با ملت می‌شوند نمی‌توانند کاری بکنند.

حضور مردم در صحنه

یک کشوری وقتی آسیب می‌بیند که ملتش بی تفاوت باشند. ملت همه باید حاضر باشند در مسائل سیاسی. مردم نباید کنار بروند، اگر مردم کنار بروند همه شکست می‌خوریم. من امید واثق دارم که ملت ما تن به ننگ نداده و نخواهد داد. حضور شما مردم مؤمن و از جان گذشته است که روشنفکران غرب و شرق زده را برای همیشه رسوا می‌کند. حضور شما مردم عزیز و مسلمان در صحنه است که توطئه های ستمگران و حيله گران تاریخ را خنثی می‌کند. آن چیزی که برای همه ما لازم است، این است که ما در فکر این باشیم که مردم را در صحنه نگاه داریم. اگر ملت بنشیند کنار و بخواهد دولت یک کاری بکند، دولت همچو قدرتی ندارد. ملت اسلام دیگر بیدار شد، دیگر نمی‌نشیند، اگر من هم برگردم ملت اسلام بر نمی‌گردد. امروز است که تمام ملت، چه بانوان محترم و چه برادران، در سرنوشت خودشان دخالت می‌کنند.

حفظ نظام و استمرار نهضت

حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است. حفظ نظام از واجبات شرعیه و عقلیه است. ملت بزرگ اسلامی مصمم است به نهضت اسلامی خود ادامه دهد و اجازه دخالت خیانتکاران را در کشور خود ندهد. ما برایمان واجب عقلی است، واجب شرعی است که در این موقع دنبال بکنیم و این نهضتی که ایران بپا کرده است به آخر برسانیم. به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندان به دست آوردید، همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمایید. به ملت شریف ایران وصیت می‌کنم که در جهان، حجم تحمل زحمتهای و رنجها و فداکاریها و جانناریها و محرومیتها، مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علو رتبه آن است. و وقتی مقصد الهی شد، راه هر چه

مشکل باشد - چون مقصد الهی است - باید به نظر آسان باشد. ما اگر حق را نصرت نماییم نباید در انتظار نصرت حق باشیم. شما بدانید، هر چه تبلیغات دنیا و شیاطین دنیا بر ضد شما می گویند، دلیل بر قدرت شماست. تا این نهضت هست از هیچ چیز نترسید، و اصلاً ترس در دل خود راه ندهید. مشکلات به دنبال هر انقلابی اجتناب ناپذیر است، لکن مشکلاتی نیست که نشود جبران کرد. باید در حفظ دین مقدس و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی استقامت کنیم، و مشکلات را با استقبال و استقامت انقلابی رفع نماییم. خدا می داند که اگر این نهضت شکست بخورد، تا آخر دیگر ایران روی خوش به خودش نمی بیند. اگر ایران شکست بخورد شرق شکست خورده است. اگر ایران شکست بخورد مستضعفین شکست خورده اند. اگر این نهضت بخوابد، این آتشی که در دل مردم روشن شده است، اگر این بخوابد و این آتش خاموش بشود، دیگر امکان ندارد این نهضت پیدا بشود یا شبیه آن پیدا بشود. اگر به واسطه بعضی از جهالتها لطمه ای به این نهضت بزرگ وارد بشود، معاقبت پیش خدای تبارک و تعالی، توبه تان مشکل است قبول بشود؛ چون به حیثیت اسلام لطمه وارد می شود. همه به فکر این خونها به ناحق ریخته باشید، به فکر این معلولین عزیز ما باشید به فکر این آوارگان جنگ باشید و به فکر پیشرفت اسلام؛ نه به فکر این که من باید و تو نباید! من هستم و تو نیستی! امروز روزی است که اگر - خدای نخواست - ما در این نهضت شکست بخوریم، شکست خوردیم تا آخر. ملت با تمام قوا باید در مقابل دسیسه ها مقاومت کند اگر شما گمان کنید که دیگر پیروز شدید و باید سراغ کسب و کارتان، و بی اعتنا باشید راجع به مقدراتتان، من خوف این را دارم که شکست بخورید. امروز هم شما نباید از کید ساحران و وسوسه خناسان غافل باشید. قوی باشید! برومند باشید! و از هیاهوی دنیا هیچ وقت به خودتان هراس راه ندهید.

نظم و قانون

حفظ نظم از واجبات الهی است. همه جامعه نظم لازم دارد، اگر نظم از کار برداشته بشود جامعه از بین می رود. حکومت اسلام حکومت قانون است. همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید و لو بر خلاف رأی شما باشد. در مملکت اسلامی باید قانون خدا حکومت کند و غیر قانون خدا هیچ چیز حکومتی ندارد. شرف و ارزش انسانها در تبعیت از قانون است که همان تقواست. متخلف از قانون، مجرم و قابل تعقیب است. قانون برای اجرا و بر قرار شدن نظم اجتماعی عادلانه، به منظور پرورش انسان مهذب است. اگر همه اشخاصی که در کشورمان هستند و همه گروههایی که در کشور هستند و همه نهادهایی که در سرتاسر کشور هستند، اگر به قانون خاضع بشویم و اگر قانون را محترم بشماریم، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد. رضای خداوند متعال را در نظر بگیریم و همگان در مقابل قانون خاضع باشیم. اگر می خواهید که از صحنه بیروتان نکنند، بپذیرید قانون را. در اسلام یک حکومت است و آن حکومت خدا، یک قانون است و آن قانون خدا، و همه موظفند به آن قانون عمل کنند. در اسلام یک چیز حکم می کند و آن قانون است. زمان پیغمبر هم قانون حکم می کرد، پیغمبر مجری بود. آن نظامی که پایین از بالا اطاعت نمی کند، بالا به پایین ظلم می کند، این توحیدی نیست، این «نظام شیطانی» است نه «نظام الهی» قوانین اسلام قوانین پیشاهنگ و پیشرو هستند. اسلام حکومتش حکومت قانون است، یعنی قانون الهی، قانون قرآن و سنت

است و حکومت، حکومت تابع قانون است. انتقاد بکنید توطئه نکنید، من با توطئه مخالفم، همه هم مخالفند، ما با تضعیف جمهوری اسلامی (مخالفیم)، تضعیف جمهوری اسلامی یعنی تضعیف اسلام، ما با این مخالفیم. قیام بر ضد حکومت اسلامی در حکم کفر است، بالاتر از همه معاصی است. اگر دیدید کسی از اصول تخطی می کند در برابرش قاطعانه بایستید. اختلافات از راه قانون شکنی ها پیش می آید. در اسلام قانون حکومت می کند. پیغمبر اکرم هم تابع قانون بود، تابع قانون الهی، نمی توانست تخلف بکند. امروز ضد انقلاب اسلامی کسی است که آن کاری که مشغول هست، در آن کار سستی کند.

شورای نگهبان

من با نهاد شورای نگهبان صددرصد موافقم، و عقیده ام هست که باید قوی و همیشگی باشد. باید بگوییم که حضرات آقایان، فقهای شورای نگهبان را با آشنایی و شناخت تعیین کردم؛ و احترام به آنان و حفظ مقامشان را لازم می دانم. شورای محترم نگهبان که حافظ احکام مقدس اسلام و قانون اساسی هستند، مورد تایید این جانب می باشد؛ و وظیفه آنان بسیار مقدس و مهم است، و باید با قاطعیت به وظایف خود عمل نمایند. تضعیف و توهین به فقهای شورای نگهبان، امری خطرناک برای کشور و اسلام است. به شورای نگهبان تذکر می دهم که در کار خود استوار باشید، و با قاطعیت و دقت عمل فرمایید، و به خدای متعال اتکال کنید. از شورای محترم نگهبان می خواهم و توصیه می کنم - چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آینده - که با کمال دقت و قدرت، وظایف اسلامی و ملی خود را ایفا کنند و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند، و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند؛ و با ملاحظه ضرورات کشور، که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجرا شود توجه نمایند.

انتخابات و مجلس

مردم اگر اسلام را، استقلال و آزادی را، نبودن تحت اسارت شرق و غرب را می خواهند، همه در انتخابات شرکت کنند. اگر در انتخابات مسامحه کنیم، مطمئن باشید که از راه مجلس به ما لطمه می زنند. و صیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخابات رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی، و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند. انتخابات در انحصار هیچ کس نیست، نه در انحصار روحانیین است، نه در انحصار احزاب است، نه در انحصار گروه هاست، انتخابات مال همه مردم است. ملت است که با رای خودش رئیس جمهوری تعیین می کند، جمهوری اسلامی را رای می دهد؛ و با رای خودش که متمرکز است در مجلس، دولت را تعیین خواهد کرد؛ و همه امور دست خود ملت است. این تکلیف آقایان است که راجع به مسائل اسلامی که پیش می آید، چه وکیل خواهید تعیین بکنید و چه - عرض بکنم که - رئیس جمهور خواهید تعیین کنید، باید در صحنه باشید، عذری ندارید که بروید و کنار بنشینید. باید توجه داشت که هدف از انتخاب در نهایت، حفظ اسلام است. اگر در تبلیغات حریم مسائل اسلامی رعایت نشود، چگونه منتخب حافظ اسلام می شود همه شما، همه ما، زن و مرد، هر مکلف همان طور که باید نماز بخواند، همان طور که باید سرنوشت

خودش را تعیین کند. عزیزان من که امید نهضت اسلامی به شماست! در روز تعیین سرنوشت کشور بپاخیزید و به صندوقها هجوم آورید و آرای خود را در آنها بریزید. امروز مسئولیت به عهده ملت است، ملت اگر چنانچه کنار بنشینند، اشخاص مؤمن، اشخاص متعهد بنشینند و اشخاصی که نقشه کشیده اند برای این مملکت، از چپ و راست، آنها وارد بشوند در مجلس، تمام مسئولیت به عهده ملت است. نگذارند حتی یک عنصر خرابکار وابسته، به مجلس راه یابد. باید ملت شریف بدانند که انحراف از این امر مهم اسلامی خیانت به اسلام و کشور است، و موجب مسئولیت عظیم است. مجلس در راس همه امور واقع است. مجلس خانه واقعی ملت است. این مجلس ماحصل خون یک جمعیتی است که وفادار به اسلام بوده اند. این مجلس فراهم آمده از الله اکبرهای مردم است. سر تسلیم به مجلس یعنی سر تسلیم به اسلام. در مجلس، اسلام تنها کافی نیست، بلکه باید مسلمانی باشد که احتیاجات و مطلع به مصالح و مفاسد کشور باشد. مملکت را بشناسد و سیاست را بفهمد مجلس در راس همه ارگانها واقع است؛ و مجلس ملت است که متبلور شده است و تحقق پیدا کرده است در یک جای محدود. علاقه مندم که قداست مجلس معظم و وکلای محترم محفوظ باشد تا الگویی باشند برای مجلسهای جهان. حیف است که چهره نورانی مجلس، در آن یک چیزهایی واقع بشود که مخالف زی شما آقایان است. توجه داشته باشند، رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند، نه از سرمایه داران و زمینخواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات، که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرنه گان را نمی توانند بفهمند. اشخاصی که انتخاب می شوند واقعا منتخب ملت باشند. مردم را توجه بدهید به این که شما می خواهید اسلام را حفظ کنید؛ باید منتخبین شما اشخاصی باشند که توجه به اسلام داشته باشند، متعهد به اسلام باشند، بازیگر نباشند. من متواضعانه از شما می خواهم که حتی الامکان در انتخاب اشخاص با هم موافقت نمایید، و اشخاصی اسلامی، متعهد، غیرمنحرف از صراط مستقیم الهی را در نظر بگیرید. باید درست متوجه باشید و اشخاصی که انتخاب می کنید سوابقشان را مطالعه کنید، بدانید... در زمان سابق چه جور بودند، در زمان انقلاب چه جور بودند، از اول انقلاب تا حالا چه جور بودند و سوابق خانوادگیشان چه هست، عقایدشان چه هست و مقدار معلوماتشان چه هست. امید است ملت مبارز متعهد، به مطالعه دقیق در سوابق اشخاص و گروهها، آرای خود را به اشخاصی دهند که به اسلام عزیز و قانون اساسی وفادار باشند، و از تمایلات چپ و راست مبرا باشند، و به حسن سابقه و تعهد به قوانین اسلام و خیرخواهی امت، معروف و موصوف باشند. افرادی را انتخاب کنید که متعهد به اسلام بوده شرقی و غربی نباشند، و بر صراط مستقیم انسانیت و اسلامیت باشند. من انتظار دارم که وحدت کلمه خود را حفظ، و در انتخاب وکلای خود رضای حق را بر رضای خود مقدم دارید. و کیلهایی که آراسته هستند به اخلاق خوب، متعهد هستند به اسلام، وفادار هستند به کشور خودشان، خدمتگزار هستند و شما و به کشور، آن اشخاص را انتخاب کنند و به در مجلس بفرستند. باید بدانیم که اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند، بسیاری از مشکلات پیش نمی آید. مسئولیت مجلس به عنوان یک مرشد و هدایت کننده برای مردم، زیاد است. دنبال این باشید که یک مجلس قوی قانونگذاری داشته باشیم تا بتوانند مملکت را به راه راست ببرند. مجلس خوب همه چیز را خوب می کند، و مجلس همه چیز را بد می کند. مجلس است که اساس یک کشور را

به صلاح می کشد، یا اساس یک کشور یک مجلس را رو به فساد می برد. آن روزی که دیدید و دیدند که انحراف در مجلس پیدا شد؛ انحراف از حیث قدرت طلبی و از حیث مال طلبی در کشور، در وزیرها پیدا شد، در رئیس جمهور پیدا شد، آن روز بدانند که علامت این که شکست بخوریم خودنمایی کرده؛ از آن وقت باید جلوی را بگیرند. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ نشینی پیدا کنند - خدای نخواستہ - و از این خوی ارزنده کوخ نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم. اگر در این نظام کسی یا گروهی - خدای ناکرده - بی جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید، و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتما پیش از آن که به رقیب یا رقبان خود ضربه بزند، به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. شما وکیل نیستید که بروید آنجا بنشینید و حسابهایی که خودتان با هم دارید صاف کنید، اگر یک همچو کاری بشود این انحراف است، و غضب است آن محل برای شما. اگر انحراف پیدا کنید بر خلاف ملت، خیانت کرده اید به وکالتی که دارید. انتقاد و استیضاح حق مجلس است. فرقه‌هاست بین نظارت و استیضاح و بین عیبجویی و انتقامگیری، و این فرق را همه کس پس از رجوع به وجدان خویش می فهمد. هیچ کس حق ندارد که راجع به مجلس جسارتی بکند؛ و مجلس حقش است که موافق و مخالف داشته باشد.

دولت و دولتمردان

بدبختی و خوشبختی ملتها بسته به اموری است که یکی از مهمات آن، صلاحیت داشتن هیات حاکمه است. حکومت و زمامداری در دست فرد یا افراد، وسیله فخر و بزرگی بر دیگران نیست که از این مقام بخواهد به نفع خود حقوق ملتی را پایمال کند. دولت و اتباع دولت خدمتگزار به ملت هستند نه آقای ملت، خدمتگزارند اینها. دولتها خدمتگزار مردمند. اسلام حکومت به آن معنا ندارد، اسلام خدمتگزار دارد. شکر این نعمت به این است که ما مردم را شریک بزرگ بدانیم. در این حکومت، حکومت نیست باید همه خدمتگزار باشیم. اسلام می خواهد که دولتها خدمتگزار ملتها باشند. دولتها یک اقلیتی هستند که باید برای خدمت این ملت باشند و اینها نمی فهمند که دولت خدمتگزار ملت باید باشد، نه حاکم بر ملت. ما باید ببینیم که این ملتی که ماها را به این مقامها رسانده اند از ما چه می خواهند، و ما باید برای آنها چه بکنیم. همه فکر این باشید که خدمتگزار پیدا کنید، خدمتگزار به کشور و اسلام پیدا کنید، نه خدمتگزار به خودتان. هر عملی که ارزشش بیشتر باشد مسئولیتش سنگینتر است. برای محرومین دولت واقعا باید با تمام قدرت آن طوری که علی - علیه السلام دل می سوزاند، این هم با تمام قدرت دل بسوزاند برای محرومین. خدمت به خلق خدمت به خداست. شرافت همه ما به این است که خدمت به خلق خدا بکنیم. به وزرای کشور در طول تاریخ آینده، توصیه می کنم که در انتخاب استاندارها دقت کنند، اشخاص لایق، متدین، متعهد، عاقل و سازگار با مردم انتخاب نمایند تا آرامش در کشور هر چه بیشتر حکمفرما باشد. شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید. با پشتیبانی مردم، خصوصا طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد و دست رژیم ستمشاهی از کشور و ذخایر آن کوتاه گردید. اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید، شماها کنار گذاشته می شوید و همچون رژیم شاهنشاهی ستمکار، به جای شما ستم پیشه گان پستها را اشغال می نمایند. اکیدا از مقامات رسمی خواستارم تا به کمک یکدیگر مشکلات

کشور را حل نمایند، و برادرانه با یکدیگر همکاری نمایند. برای بازرسها امانت از امور بسیار لازم است؛ آنهایی که در شغل بازرسی هستند آنها باید امین باشند. هر کس خود را مدیر و مدبر و خدمتگزار برای خلق خدا می داند، کناره گیری او، پشت کردن به خلق و خدای خلق است. در این زمان هر کس در هر شغلی که به او پیشنهاد می شود، اگر شایستگی ندارد برای آن شغل، برای او صحیح نیست و جایز نیست که در آن شغل وارد بشود، و اگر شایستگی دارد برای آن، برای او صحیح نیست که شانه خالی کند. همه مردم، همه انسانها دولت اسلامی را تقویت کنند تا بتواند اقامه عدل بکند. الله در انتخاب اصحاب خود؛ الله در تعجیل تصمیم گیری، خصوصا در امور مهمه. تضعیف هر قشر از اقشار و هر شخص از اشخاص که امروز مشغول به کار هستند و مشغول یک خدمتی هستند، کمک کردن به دشمنهای اسلام است. اگر به واسطه سوء مدیریت و ضعف فکر و عمل شما، به اسلام و مسلمین ضرری و خللی واقع شود - و خود می دانید و به تصدی ادامه می دهید - مرتکب گناه عظیمی و کبیره مهلکی شده اید که به واسطه آن عذاب بزرگ دامنگیرتان خواهد شد. اگر چنانچه هیات حاکمه، کسانی که مقدرات یک کشور در دست آنهاست، اینها فاسد باشند مملکت را به فساد می کشند. گاهی ممکن است که قوانین مترقی و مفید به حال جامعه، از مجلس بگذرد و شورای نگهبان آن را تنفیذ کند و وزیر مسئول هم ابلاغ نماید، لکن به دست مجریان غیر صالح که افتاد آن را مسخ کنند. خیال نکنند که ما دولت هستیم و باید مساله ای را که ما طرح می کنیم ملت بپذیرد، چه روی مصالحش باشد چه نباشد. اگر یاس از حکومت اسلامی باشد و انفجار پیدا بشود، هیچ چیز نمی تواند جلویش را بگیرد. هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیما در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند، و او باید جواب قانع کننده دهد، و در غیر این صورت، اگر بر خلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خودبخود از مقام زمامداری معزول است. ای دولتها! فتح کشور مهم نیست، فتح قلوب مهم است. در رفتار عدالت داشته باشید، در گفتار عدالت داشته باشید، تشریفات را کم کنید و این ملت را خدمتگزار باشید. اینهایی که قدرت دارند باید حفظ جهات انسانیت را، جهات اسلامیت را بیشتر از دیگران بکنند. شکر نعمت این است که ما به جای صحبت عمل کنیم. اگر ملت می خواهد که این پیروزی تا آخر برسد و به منتهای پیروزی - که آمال همه است - برسد، باید مواظب آنهایی که دولت را تشکیل می دهند، آن که رئیس جمهور است، آن که مجلسی هست، در مجلس هست، همه اینها را توجه بکنند که مبادا یک وقتی از طبقه متوسط به طبقه بالا، و به اصطلاح خودشان مرفه، به آن طبقه برسد. آن روزی که هر یک از شماها را ملت دید که از مرتبه متوسط می غلطید به طرف مرفه، و دنبال این هستید که یا قدرت پیدا بکنید یا تمکین پیدا کنید، مردم باید توجه داشته باشند و این طور افرادی که به تدریج ممکن است یک وقتی - خدای نخواستہ - پیدا بشوند، آنها را سر جای خودشان بنشانند.

دولتهای کشورهای مسلمان

بدبختی دولت اسلامی از دخالت اجانب در مقدرات آنهاست. باید دولتهای منطقه بدانند که در وقت گرفتاری آنان، آمریکا و هیچ قدرت دیگر پشتیبانی از آنان نخواهند کرد. من بیش از بیست سال در خطابه هایم، در گفتارم، به اینها توصیه کردم به

سران دولتها که این اختلافات محلی جزئی را کنار بگذارند و برای اسلام و برای پیشبرد اهداف اسلام با هم همفکری کنند و با هم اتحاد داشته باشند. مشکل اسلام دولتهای اسلامی است نه ملتها.

قدس و فلسطین

بیت المقدس مال مسلمین و قبله اول مسلمین است. همه باید بدانند که هدف دولتهای بزرگ از ایجاد اسرائیل، تنها با اشغال فلسطین پایان نمی پذیرد، آنها در این نقشه اند که - پناه بر خدا - تمامی کشورهای عربی را به همان سرنوشت فلسطین دچار کنند. آیا سران قوم نمی دانند و ندیده اند که مذاکرات سیاسی با سیاستمداران قدرتمند و جنایتکاران تاریخ، قدس و فلسطین و لبنان را نجات نخواهد داد، و هر روز بر جنایات و ستمگریها افزوده خواهد شد. ما طرفدار مظلوم هستیم، هر کسی در هر قطبی مظلوم باشد ما طرفدار آنها هستیم، و فلسطینیها مظلوم هستند و اسرائیلیها به آنها ظلم کرده اند، از این جهت ما طرفدار آنها هستیم. ما از مبارزات برادران فلسطینی و مردم جنوب لبنان در مقابل اسرائیل غاصب کاملا پشتیبانی می نماییم. ملت مسلمان ایران و هیچ مسلمانی و اصولا هیچ آزاده ای اسرائیل را به رسمیت نمی شناسد؛ و ما همواره حامی برادران فلسطینی و عرب خود خواهیم بود. باید همه بپاخیزیم و اسرائیل را نابود کنیم، و ملت قهرمان فلسطین را جایگزین آن گردانیم. روز قدس که همجوار شب قدر است، لازم است که در بین مسلمانان احیا شود و مبدا بیداری و هشیاری آنان باشد. مسلمانان جهان باید روز قدس را روز همه مسلمین، بلکه مستضعفین بدانند. این آوای الله اکبر است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران، شاه راو در بیت المقدس، غاصبین را به نومیدی کشاند. اصولا این تکلیف همه مسلمین است که قدس را آزاد کنند و شر این جرثومه فساد را از سر بلاد اسلامی قطع کنند. مساله قدس یک مساله شخصی نیست، و یک مساله مخصوص به یک کشور و یا یک مساله مخصوص به مسلمین جهان در عصر حاضر نیست؛ بلکه حادثه ای است برای موحدین جهان و مؤمنان اعصار گذشته و حال و آینده. قدس متعلق به مسلمین است و باید به آنان برگردد. روز قدس روز اسلام است. روز قدس روزی است که باید سرنوشت ملت های مستضعف معلوم شود. روز قدس یک روز جهانی است، روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است. روز قدس روزی است که اسلام را باید احیا کرد. روز قدس روز حیات اسلام است. روز قدس که آخرین روزهای شهرالله اعظم است سزاوار آن است که همه مسلمانان جهان از قید اسارت و بردگی شیاطین بزرگ و ابرقدرتها رها شده و به قدرت لایزال الله بپیوندند.

رژیم اشغالگر قدس (اسرائیل)

من طرفداری از طرح استقلال اسرائیل و شناسایی او را، برای مسلمانان یک فاجعه و برای دولتهای اسلامی یک انفجار می دانم. دولت غاصب اسرائیل با هدفهایی که دارد، برای اسلام و ممالک مسلمین خطر عظیم دارد. برادران و خواهران باید بدانند که آمریکا و اسرائیل با اساس اسلام دشمنند. خیال ابلهانه اسرائیل بزرگ، آنان را به هر جنایتی می کشاند. ملت های برادر عرب، و برادران لبنان و فلسطین بدانند که هر چه بدبختی دارند از اسرائیل و آمریکا است. نسبت به اسرائیل، مسلم است که ما به یک

دولت غیرقانونی و غاصب و متجاوز به حقوق مسلمین و دشمن اسلام، هیچ گونه کمکی نخواهیم کرد. اسرائیل از نظر اسلام و مسلمین و تمامی موازین بین المللی غاصب و متجاوز است؛ و ما کمترین اهمال و سستی را در پایان دادن به تجاوزات او جایز نمی دانیم. کرارا گفته ام و شنیده اید، اسرائیل به این قراردادها اکتفا نمی کند و حکومت اعراب را از نیل تا فرات غصبی می داند. اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود. بر هر مسلمانی لازم است که خود را علیه اسرائیل مجهز کند. کسانی که از اسرائیل حمایت می کنند باید بدانند که افعی گزنده را در حمایت خود قوی می کنند. از اسرائیل، این دشمن اسلام و عرب جانبداری نکنید، که این افعی افسرده اگر دستش برسد بر صغیر و کبیر شما رحم نمی کند. بر همه آزادیخواهان جهان است که با ملت اسلام هم صدا شده، تجاوزات غیرانسانی اسرائیل را محکوم نمایند. ایران دشمن سرسخت اسرائیل بوده و هست. ما اسرائیل را رد خواهیم کرد و هیچ رابطه ای با او نخواهیم داشت؛ و او دولت غاصب است و با ما دشمن. من به جمیع دول اسلام، و مسلمین جهان در هر جا هستند اعلام می کنم که ملت عزیز شیعه از اسرائیل و عمال اسرائیل متنفرند، و از دولتهایی که با اسرائیل سازش می کنند متنفر و منزجرند. ما با اسرائیل چون غاصب است و در حال جنگ است با مسلمین، روابطی نخواهیم داشت. اسرائیل حقوق مردم عرب را غصب کرده است، با او مخالفت خواهیم کرد. اسرائیل در حال جنگ با مسلمین است و غاصب سرزمینهای برادران ما می باشد، ما به آن نفت نخواهیم داد. اسرائیل مطرود ماست؛ و ما برای همیشه نه نفت به او می دهیم و نه آن را به هیچ وجه به رسمیت می شناسیم. تا ملتهای اسلامی و مستضعفان جهان بر ضد مستکبران جهانی و بچه های آنان، خصوصا اسرائیل غاصب قیام نکنند، دست جنایتکار آنان از کشورهای اسلامی کوتاه نخواهد شد. اسرائیل غاصب است و هر چه زودتر باید فلسطین را ترک کند. و تنها راه حل این است که برادران فلسطینی هر چه زودتر این ماده فساد را نابود گردانند و ریشه استعمار را در منطقه قطع کنند، تا آرامش به منطقه بازگردد. و وظیفه ملت غیور ایران است که از منافع آمریکا و اسرائیل در ایران جلوگیری کرده، و آن را مورد هجوم قرار دهند. دولتهای ممالک نفت خیز اسلامی لازم است از نفت و دیگر امکاناتی که در اختیار دارند، به عنوان حربه علیه اسرائیل و استعمارگران استفاده کنند. لازم است بر دول اسلامی خصوصا بخصوص بر سایر مسلمین عموما، که دفع این ماده فساد را به هر نحو که امکان دارد بنمایند. این ماده فساد که در قلب ممالک اسلامی، با پشتیبانی دول بزرگ جایگزین شده است و ریشه های فسادش هر روز ممالک اسلامی را تهدید می کند، باید با همت ممالک اسلامی و ملل بزرگ اسلام ریشه کن شود.

مبارزه با آمریکا

هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید. همه ملت ما دشمن شماره اول خودش را امروز آمریکا می داند. اسلحه های سرد و گرم، یعنی قلم و بیان و مسلسل را از نشانه گیری به روی یکدیگر منحرف، و به سوی دشمنهای انسانیت که در راس آنها آن آمریکاست نشانه بروید. ما اعتقادمان این است که باید مسلمین با هم متحد بشوند و تودهنی بزنند به آمریکا؛ و بدانند که می توانند! ما دنبال این نیستیم که آمریکا برای ما کار بکند، ما آمریکا را زیر پامی گذاریم. اگر معنای ضدیت با آمریکا این است که ما نمی خواهیم وابسته به آمریکا باشیم، آری ما ضد آمریکایی هستیم و اگر ترس آمریکا از این است، آری باید بترسند.

دشمن مشترک ما که امروز اسرائیل و آمریکا و امثال اینهاست، که می خواهند حیثیت ما را از بین ببرند و ما را تحت ستم دوباره قرار بدهند، این دشمن مشترک را دفع بکنید. آن داعی که به دل آمریکا وارد شده است به واسطه این نهضت، به دل هیچ کس وارد نشده است. ما جرمان این است که با آمریکا مخالف هستیم. اگر ما همه از بین برویم بهتر است از این که دلیل باشیم زیر دست صهیونیسم، و زیر دست آمریکا. ای مظلومان جهان! از هر قشر و از هر کشوری هستید بخود آید، و از هیاهو و عربده آمریکا و سایر زورمندان نهراسید، و جهان را بر آنان تنگ کنید. آمریکا در مقابل مسلمین نمی تواند خودنمایی کند. آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند. این نزاعی که، مبارزه ای که الان بین کفر و اسلام است، این منازعه بین ما و آمریکا نیست، بین اسلام است و کفر. الان در راس همه مسائل اسلامی ما قضیه مواجهه با آمریکاست. امروز اگر قوای ما از هم منفصل شوند به نفع آمریکاست، و الان دشمن آمریکاست و باید تمام تجهیزات ما به طرف این دشمن باشد. خوشوقتی کامل ما آن روزی است که سلطه همه استعمارگران شرق و غرب، و بخصوص آمریکای جهانخوار از سر مسلمانان قطع شود. آمریکا ممکن است ما را شکست دهد ولی نه انقلاب ما را؛ و به همین دلیل است که من به پیروزی خودمان اطمینان دارم؛ دولت آمریکا مفهوم شهادت رانمی فهمد. ما یقین داریم اگر دقیقاً به وظیفه مان که مبارزه با آمریکای جنایتکار است ادامه دهیم، فرزندانمان شهید پیروزی را خواهند چشید.

دانشگاه و دانشگاهیان

دانشگاه مبدا همه تحولات است. مقدرات این مملکت دست این دانشگاهیهاست. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین بشود. دانشگاه یک کشوری اگر اصلاح شود، آن کشور اصلاح می شود. اساتید دانشگاه بدانند که اگر چنانچه دانشگاه را بسازند، کشورشان را بیمه کرده اند تا آخر. باید این مساله را دنبال کنیم که دانشگاه اسلامی شود تا برای کشور ما مفید گردد. باید قبل از هر چیز دانشگاه اسلامی باشد؛ برای این که کشور هر چه صدمه خورده است از کسانی بوده که اسلام را نمی شناخته اند. معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند، و خودش را از غرب جدا کند، و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند؛ و یک مملکت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم. شما دانشجویهای عزیز! خودتان در صدد این باشید که از غربزدگی بیرون بیایید. این گمشده خودتان را پیدا کنید، گمشده شما خودتان هستید. دانشگاه را باید شما رو به خدا ببرید، رو به معنویت ببرید؛ و همه درسها هم خوانده بشود، همه درسها هم برای خدا خوانده بشود. شما دانشگاهیها کوشش کنید که انسان درست کنید؛ اگر انسان درست کردید مملکت خودتان را نجات می دهد. دانشگاهها را مرکز تربیت قرار دهید؛ علاوه بر دانش، تربیت لازم است؛ اگر یک دانشمندی تربیت نداشته باشد مضر است. دانشگاه باید مرکز درست کردن انسان باشد. اگر دانشگاه واقعا دانشگاه باشد، و دانشگاه اسلامی باشد؛ یعنی در کنار تحصیلات، تهذیب هم در آنجا متحقق باشد، تعهد هم باشد، یک کشوری را اینها می توانند به سعادت برسانند. دانشگاه خوب، یک ملت را سعادت مند می کند و دانشگاه غیراسلامی، دانشگاه بد، یک ملت را عقب می زند. این افرادی که از دانشگاه درمی آیند یا مخرب یک کشوری هستند یا سازنده آن کشور هستند. هر چه از خوبیها و بدیها برای یک ملتی تحقق پیدا می کند، وابستگی یا استقلال، در قید

و بند بودن و اختناق یا آزادی، تابع تربیتهای دانشگاهی است. دانشگاه است که امور کشور را اداره می کند، و دانشگاه است که نسل آینده و حاضر را تربیت می کند. و اگر چنانچه دانشگاه در اختیار چپاولگرهای شرق و غرب باشد، کشور در اختیار آنهاست. دانشگاه که در راس امور هست و تقدیرات یک کشوری، مقدرات یک کشوری بسته به وجود آنهاست، باید جدیت کنند که روی خودشان را از غرب و شرق برگردانند. همه توان خود را گویندگان و روشنفکران و متفکران و دانشگاهیان و دانشمندان، صرف قطع امید دشمن اصلی ما آمریکا کنند. جدیت و فداکاری لازم دارد تا دانشگاه، دانشگاه بشود. امیدوارم دانشگاهی داشته باشیم که به درد ملت بخورد. ان شاء الله - روزی بیاید که از جاهای دیگر برای تحصیل به ایران بیایند. امیدوارم احساس کرده باشید که همه دردهای ایران از دانشگاه شروع شده است. باید دانشگاهها بیدار بشوند، باید از همین دبستان تا آن آخر دانشگاه از این افکار غریزه تهی بشوند، و شرق روی پای خودش بایستد. اگر دانشگاهها درست نشود، و مدرسه های ما هم درست نشود، امید این که یک جمهوری اسلامی ما پیدا بکنیم نداریم. اسلام با فساد دانشگاهها مخالف است، با عقب نگه داشتن دانشگاهها مخالف است، با دانشگاه استعماری مخالف است. اگر دانشگاه را ما سست بگیریم و از دست برود، همه چیزمان از دستمان رفته است. اگر آرامش در دانشگاه نباشد، و در محیطهای تعلیمی نباشد، چطور امکان دارد که متفکران افکار خودشان را به جوانان ما صادر کنند و مغزهای آنها را متفکر و متخصص بار بیاورند اگر دانشگاهها خالی از مردانی دانشمند و متخصص شوند، اجانب منفعت طلب چون سرطان در تمام کشور ریشه دوانده، و زمام امور اقتصادی و علمی ما را به دست می گیرند و سرپرستی می کنند. اکثر ضربات مهلکی که به این اجتماع خورده است، از دست اکثر همین روشنفکران دانشگاه رفته ای است که همیشه خود را بزرگ می دیدند و می بینند. به همه نسلهای مسلسل توصیه می کنم که برای نجات خود و کشور عزیز و اسلام آدمساز، دانشگاهها را از انحراف و غرب و شرق زدگی حفظ و پاسداری کنید. برای همیشه نگذاریم دانشگاهها به انحراف کشیده شود؛ و هر جا انحرافی به چشم خورد با اقدام سریع به رفع آن کوشیم. و این امر حیاتی باید در مرحله اول با دست پرتوان خود جوانان دانشگاهها و دانشسراها انجام گیرد. سلام بر دانش و دانشگاه و دانشگاهیانی که چراغ راه هدایت و راهنمایی ملت، به سوی تعالی و سعادت و فضل و فضیلت می باشند. سلام بر جوانان برومندی که با سلاح علم در سرفرازی و اعتلای کشور، کشور عزیز اسلامی کوشا، و در رسیدن به هدفهای انسانی - اسلامی از هیچ زحمت و کوششی دریغ ندارند. مهمترین عامل در کسب خودکفای و بازسازی، توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی و تمرکز و هدایت امکانات، و تشویق همه جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعدد و تخصصی است که شهادت مبارزه با جهل را دارند، و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق بدر آمده، و نشان داده اند که می توانند کشور را روی پای خود نگه دارند. باید دانشگاهها خودکفا بشوند که احتیاج به دانش غرب نداشته باشند.

نقش زن در اجتماع


زن نقش بزرگی در اجتماع دارد، زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن مربی انسان است. از دامن زن مرد به معراج می رود. زن یکتا موجودی است که می تواند از دامن خود، افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه ها

به استقامت و ارزشهای والای انسانی کشیده شوند. نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای این که زنان، بانوان علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می کنند. من در جامعه زنها یک جور تحول عجیبی می بینم که بیشتر از تحولی است که در مردها پیدا شده. این جانب به زنان پرافتخار ایران مباحث می کنم، که تحولی آن چنان در آنان پیدا شد، که نقش شیطانی بیش از پنجاه سال کوشش نقاشان خارجی و وابستگان بی شرافت آنان، از شعرای هرزه گرفته تا نویسندگان و دستگاههای تبلیغاتی مزدور را، نقش بر آن نمودند. زنان در عصر ما ثابت کردند که در مجاهده همدوش مردان، بلکه مقدم بر آنانند. ما مفتخریم که بانوان و زنان، پیر و جوان و خرد و کلان، در صحنه های فرهنگی اقتصادی و نظامی حاضر، و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی و اعتلای اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند. من هر وقت بانوان محترم را می بینم که با عزم و اراده قاطع در راه هدف حاضر به تحمل همه طور زحمت، بلکه شهادت هستند مطمئن می شوم که این راه به پیروزی منتهی می شود. بانوان رهبر نهضت ما هستید. شما بانوان شجاع دوشادوش مردان پیروزی را برای اسلام بیمه کردید. شما خواهان در این نهضت سهم بسزایی داشتید. شما خواهان عزیز و شجاع، دوشادوش مردان پیروزی را برای اسلام بیمه کردید. مردان ما مرهون شجاعتهای شما زنها شیر دل هستند. ما بسیاری از موفقیتها را مرهون خدمتهای شما بانوان می دانیم. خدمت مردها هم، بسیاری مرهون خدمت زنهاست. بانوان ایران، در این نهضت و انقلاب سهم بیشتری از مردان دارند. بانوان عزیز ما اسباب این شدند که مردها هم جرات و شجاعت پیدا کنند. این پیروزی را ما از بانوان داریم قبل از این که از مردها داشته باشیم. آنچه که در ایران بزرگتر از هر چیز بود، تحولی است که در بانوان ایران حاصل شد. اگر این نهضت و انقلاب اسلامی هیچ نداشت جز این تحولی که در بانوان و در جوانان ما پیدا شد، این یک امری بود که کافی بود برای کشور ما. آسیب نخواهد دید ملتی که بانوانش در صف مقدم برای پیشبرد مقاصد اسلامی هست. چه افتخاری بالاتر از این که زنان بزرگوار ما در مقابل رژیم ستمکار سابق و پس از سرکوبی آن، در مقابل ابرقدرتها و وابستگان آنان، در صف اول، ایستادگی و مقاومتی از خود نشان دادند که در هیچ عصری چنین مقاومتی و چنین شجاعتی از مردان ثبت نشده است. در تربیت و تعلیم جامعه بزرگوار، بانوان پیشتاز باشند. اگر زنها انسان ساز از ملتها گرفته بشود، ملتها به شکست و انحطاط خواهند رسید. صلاح و فساد یک جامعه، از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می گیرد. شما مردان و زنان تاریخ، باید پایداری در راه کوییدن ستمکاران و دفاع از حق را به جهانیان و نسلهای آینده ثابت کنید.

حقوق زن

اسلام به زنان آزادی داده است. اسلام با آزادی زن نه تنها موافق است، بلکه خود پایه گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است. تشیع نه تنها زنان را از صحنه زندگی اجتماعی طرد نمی کند، بلکه آنان را در جامعه، در جایگاه رفیع انسانی خود قرار می دهد. در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رای دادن و حق رای گرفتن. از نظر حقوقی انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست، زیرا که هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیتها را خود را انتخاب کند. در نظام اسلامی، زن به

عنوان یک انسان می تواند مشارکت فعال با مردان ، دربنای جامعه اسلامی داشته باشد. اسلام زنها را نجات داده است از آن چیزهایی که در جاهلیت بود ؛ آن قدری که اسلام به زن خدمت کرده است - خدا می داند - به مرد خدمت نکرده است. زنان از نظر اسلام نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند ؛ و اسلام زن راتا حدی ارتقا می دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد واز حد شی ء بودن بیرون بیاید ؛و متناسب با چنین رشدی می تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیتهایی به عهده بگیرد. امروز باید خانمها وظایف اجتماعی خودشان را و وظایف دینی خودشان را عمل بکنند ؛ و عفت عمومی را حفظ بکنند ، و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند. آنچه اسلام با آن مخالف است و آن را حرام می داند فساد است ، چه از طرف زن باشد و چه از طرف مرد، فرقی نمی کند. ما می خواهیم زنان را از فسادی که آنها را تهدید می کند آزاد سازیم. ما می خواهیم زن در مقام والای انسانیت خودش باشد ، نه ملعبه باشد. اسلام نمی خواهد که زن به عنوان یک شی ء و یک عروسک در دست مردان ما باشد ؛ اسلام می خواهد شخصیت زن را حفظ کند ، و از او انسانی جدی و کار آمد بسازد. اسلام خواسته است که زن و مرد حیثیت انسانی شان محفوظ باشد.



کلمات قصار
امام خمینی (ره)